



Strategies of the words of the Commander of the Faithful (AS) in education and training with a governmental jurisprudence approach

Hadi Esmailzadeh ^{1*}, Hasan Falah Ahmad CHali ², Rahman Vali Zadeh³

1 PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran, Email: h951311@gmail.com

2*. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Religions and Mysticism, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran, Email: esmailzadehhadi99@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran, Email: valizadeh1121@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received
September 11, 2024
Accepted
November 22, 2024

Keywords:
Jurisprudence,
governmental
jurisprudence,
education, upbringing,
Imam Ali

ABSTRACT

Government jurisprudence is an approach and a theory about the method of deriving the rulings of jurists, which is opposed to the individual method and approach of deriving the rulings. Government jurisprudence is a holistic approach that oversees all branches of jurisprudence. Therefore, the scope discussed in government jurisprudence will be all issues of jurisprudence. Government jurisprudence, in the face of the challenges of the present era, needs a precise explanation of its foundations so that it can prove its effectiveness in different areas and dimensions such as education and training. According to the laws of Islamic jurisprudence, no individual has the absolute right of sovereignty to establish divine laws except God, which God delegates to chosen humans by appointing a caliph and successor. Therefore, education and training has a longitudinal system at the head of which God, then the Prophet, and after him the Imams are located. The main purpose of this research is to examine the strategies of the words of Imam Ali (AS) in education based on the approach of governmental jurisprudence and to examine the principles, methods and goals of education in the words of this great man. The research method in this research is descriptive-analytical. And it has been carried out using library tools. Imam Ali (AS) in Sermon 34 has referred to the four rights that people have over the government, guidance of the general public, the government's commitment to ensuring the welfare of the people, education and training in a comprehensive manner, and discipline for steadfastness in practice. The conclusion of the present research on the words of the Commander of the Faithful (AS) is that the relationship between the government and the people is a mutual relationship in the matter of education and training and the method of governance.



راهبردهای کلام امیرالمومنین (ع) در تعلیم و تربیت با رویکرد فقه حکومتی

هادی اسماعیل زاده^۱، حسن فلاح احمد چالی^۲، رحمان ولی زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، ایمیل:

h951311@gmail.com

^۲ استادیار، گروه ادیان و عرفان اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، ایمیل:

esmailzadehhadi99@gmail.com

^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، ایمیل:

valizadeh1121@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

دریافت مقاله:

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

پذیرش نهایی:

۱۴۰۳/۰۸/۰۱

واژگان کلیدی:

فقه، فقه حکومتی، تعلیم، تربیت، امام علی (ع)

فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهاست، که در مقابل روش و رویکرد فردی استنباط احکام قرار می-گیرد فقه حکومتی نگرشی کل-نگر و ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می-شود، تمام مسائل فقه خواهد بود. فقه حکومتی در مواجهه با چالش-های عصر حاضر نیازمند تبیین دقیق مبانی خویش است تا بتواند کارآمدی خود را در عرصه-ها و ابعاد متفاوتی همچون تعلیم و تربیت به اثبات برساند. بر طبق قوانین فقه اسلامی هیچ فردی حق حاکمیت مطلقه برای برپایی قوانین الهی را جز خداوند ندارد، که خداوند این حق را با نصب خلیفه و جانشین به انسان-های برگزیده واگذار می-کند. بنابراین تعلیم و تربیت دارای یک نظام طولی است که در رأس آن خداوند، سپس پیامبر و بعد از او امامان قرار دارند. هدف اصلی این تحقیق بررسی راهبردهای کلام حضرت علی (ع) در تعلیم و تربیت بر اساس نگرش فقه حکومتی و بررسی اصول، روش و غایات تعلیم و تربیت در کلام آن بزرگوار می-باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. و با استفاده از ابزار کتابخانه-ای انجام گرفته شده است. حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ به چهار حقی که مردم بر حکومت دارند، هدایت گرای عمومی مردم، تعهد حکومت بر تامین رفاه مردم، تعلیم و تربیت بصورت فراگیر، تادیب برای استواری در عمل اشاره نموده است. برآیند پژوهش حاضر از کلام امیرالمومنین (ع) این است، که رابطه حکومت و مردم یک رابطه متقابل در امر تعلیم و تربیت و شیوه حکمرانی است.

۱- مقدمه

فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهاست، و همچنین فقه حکومتی نگرشی کل نگر و ناظر به تمام ابواب فقه دارد. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می شود، در برگیرنده تمام مسائل فقه خواهد بود. بر طبق قوانین فقه اسلامی هیچ فردی حق حاکمیت مطلقه برای برپایی قوانین الهی را جز خداوند متعال ندارد، خداوند متعال این حق را با نصب خلیفه و جانشین به انسان های برگزیده در دوران حضور یعنی معصومین، و در دوران غیبت با انتصاب از طرف آنان، مسئولیت حکومت بر عهده فقهای شیعه است. در فقه حکومتی، قدرت و ظرفیت های قوانین فقه اسلامی برای تشکیل و مدیریت حکومت به خدمت گرفته می شوند. فقه حکومتی در مواجهه با چالش های عصر حاضر نیازمند تبیین دقیق مبانی خویش است تا بتواند کارآمدی خود را در عرصه ها و ابعاد متفاوتی همچون تعلیم و تربیت به اثبات برساند در واقع، فقه حکومتی به تعبیری بخشی از فقه یا حکومت است، با نگاهی به وضعیت حاکم و محیط اجتماعی که بر تمام زمینه های تعلیم و تربیت تأثیر می گذارد. هدف فقه حکومتی، بررسی احکام الهی در همه جنبه های نظام و حکومت الهی است و در نگرش به همه احکام فقهی به ابعاد حکومتی نیز توجه دارد و تأثیر احتمالی هر حکم در کیفیت و اداره مناسب نظام و حکومت را مورد ارزیابی قرار می دهد (مشکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۹). آنچه در عصر حاضر درباره تعلیم و تربیت در راستای حکومت اسلامی دارای اهمیت است بررسی راهبردهایی است، که می توان از طریق منبع اساسی نظیر قرآن، سنت و نهج البلاغه دریافت نمود. جهت پدید آمدن و اجرای این راهبردها، قوانین فقه اسلامی باید در جهت حکومتی منطبق بر آنها پیاده شود. تعلیم و تربیت یکی از نیازهای ضروری انسان ها برای قرار گرفتن در مسیر صحیح زندگی است. تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است (میکائیلو و القرائی، ۱۳۹۴: ۹۷). اهمیت و ارزش تعلیم و تربیت به قدری است، که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به عنوان دلیل و واسطه ای نام می برد که فرزندان می توانند برای والدین خود طلب مغفرت کنند: (وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ) (سوره مبارکه اسراء، ۲۴)؛ و از روی مهربانی، بال های تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو پروردگارا بر آنان رحمت فرست، همانگونه که مرا در کودکی تربیت کردند (محمدی پویا، ۱۴۰۱: ۹). تعلیم و تربیت را می توان به پرورش و به فعلیت در آوردن استعداد های درونی انسان تعبیر کرد تربیتی که تابع فطرت و به دنبال آن است، که با تکیه بر این استعدادها آدمی را به تکامل حقیقی و مقام شایسته درخور او برساند (قادری، ۱۳۹۸: ۱۳). در بین مخلوقات الهی انسان دارای شرف و جایگاه ویژه ای است، یکی از دلایل این شرافت داشتن قوه تعقل است، که توان تربیت پذیری و رشد و کمال را برای انسان فراهم می نماید. در ذات انسان استعداد های فراوانی نهفته، که برای شکوفا شدن آن نیاز به تربیت دارد، اما از آنجا که مقوله تربیت ابعاد مختلف وجود انسان را در بر می گیرد باید برنامه ای جامع وجود داشته باشد تا جنبه های مختلف تربیتی انسان را تحت مراقبت قرار دهد و با رعایت الایم و فالایم، استعداد های بشری را به شکوفایی برساند (سلیمانی کیا، ۱۳۹۷: ۲). یکی از مهمترین مکاتب تربیتی مکتب اسلام است، که نسبت به سایر مکاتب دیگر در تعیین سرنوشت انسان ها نقش به سزایی دارد (عبدالله زاده، ۱۴۰۲: ۱۴). از دیدگاه اسلام، در طبیعت انسان، استعداد های معنوی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی، حسی و مادی برای حیات خلق شده است (اخوان نوری، ۱۴۰۱: ۵). در این باره حضرت علی (ع) با تأکید بر همین نوع تربیت و هدایت در تمام موجودات، شیوه ای از تعلیم و تربیت را در انسان ها متذکر می شود، که از لوازم آن تأکید بر فقه حکومتی است. در تعلیم و تربیت مبتنی بر توحید پدید آمدن جامعه توحیدی یا همان حکومت اسلامی دارای ضرورت است، زیرا پدید آمدن تعلیم و تربیت توحیدی منوط به پیاده شدن قوانین فقهی در جهت حکومتی منطبق بر قوانین اسلامی است. امام علی (ع) این شیوه تربیتی بر اساس فقه حکومتی را در نامه ای به کمیل این چنین بیان می کند: «ای کمیل!

پیامبر اکرم(ص) را خدا تربیت کرد و آن حضرت مرا تربیت نمود و من نیز مومنین را تربیت نموده و آداب پسندیده را به آنها یاد می‌دهم» (مجلسی، ۱۴۱۳: ۲۶۸). هدف از این نگرش برای تعلیم و تربیت کمال‌یابی انسان در تمام ابعاد زندگیش، مخصوصاً در راستای هدف آفرینش او یعنی لقای خداوند است. ویژگی این نوع از تعلیم و تربیت اتکا بر انتخاب و اختیار انسان برای مجاهده پیگیر برای کمال حقیقی خود و اجتماع است.

۲- فقه حکومتی

فقه حکومتی، به معنای فقه احکام حکومتی یا فقه سیاسی نیست، بلکه نگاهی حاکم و وصفی محیطی بر تمام مباحث فقه از طهارات تا دیات و مسائل مستحدثه دارد (همدانی، ۱۴۰۰: ۲) با تمام این تفاسیر باید متوجه بود که نظام سازی تعلیم و تربیت در بستر فقه حکومتی به معنای قرار دادن حداکثری دانش فقه در لایه‌های مختلف تکون یک جامعه است. و همچنین دستیابی به فقه حکومتی و توسعه آن در در جهت تعالی و پیشرفت جامعه جز از طریق تعلیم و تربیت امکان پذیر نخواهد بود.

۲-۱- انواع رویکرد در فقه حکومتی

در یک نگاه، دو نوع رویکرد به فقه وجود داشته است، فقیه با فرد نگری درصدد است تا با رجوع به منابع استنباط احکام دینی صرفاً تکالیف افراد مسلمان را با در نظر گرفتن هویت فردی‌شان معین کند که از آن تعبیر به رویکرد فقه فردی می‌شود، درمقابل رویکرد دیگری وجود دارد مبتنی بر این اندیشه، که مکلفان بجز هویت فردی‌شان، که موضوع برخی از احکام است، تشکیل دهنده جمعی با عنوان جامعه نیز می‌باشند تحت حاکمیت حکومت فقهی قرار می‌گیرند. در این رویکرد، فقیه در تمام مراحل استنباط و در همه ابواب فقهی، ضمن شناخت موضوع فردی، نگاهی کل نگر و کلان و ناظر به حکومت به موضوعات خواهد داشت (ذوالفقاری و سیدیان، ۱۳۹۱: ۶۹).

بنابراین، فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهاست که در مقابل روش و رویکرد فردی استنباط احکام قرار می‌گیرد فقه حکومتی نگرشی کل نگر و ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می‌شود، تمام ابواب و مسائل فقه خواهد بود (مشکانی سبزواری و مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰: ۱۴۰). هدف اصلی فقه حکومتی پیاده کردن ابواب مختلف فقه در عرصه فردی و اجتماعی است. و بتوانیم درباره مسائل مستحدثه حکومتی راهکار ارائه دهیم.

۲-۲- تمایز فقه حکومتی و سنتی

فقه سنتی فردی مبتنی بر آن است تا تنها مسائلی را که فرد مکلف با آن روبه‌روست، با نگاهی کاملاً فردگرایانه استنباط کند در حالی که فقه حکومتی مسائل را با نگاهی کل نگر و اجتماعی بررسی می‌کند بی‌توجهی به تمدن سازی دینی و غفلت نسبت به مصالح اصلی و قرار گرفتن فقه در حاشیه، جدا از قدرت و حکومت سیاسی جزء عیوب فقه سنتی به حساب می‌آید. در حالی که فقه حکومتی یعنی در اجتماع بودن یعنی فقه و حکومت لازم ملزوم هم و جز لاینفک تمدن اسلامی هستند و فقهی ارزشمند است که بتوان با آن حکومت کرد. (همان: ۱۶۲)

۳- راهکارهای تربیتی از منظر امام علی(ع) در جهت فقه حکومتی

الف- محبت: امام در حکمت ۵۰ نهج البلاغه می‌فرماید وَقَالَ (علیه السلام): قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحُشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ. ترجمه: دل‌های مردان رمنده است، هر که آنها را به دست آورد، به او روی نهند.

و حکمت ۸ خَالِطُوا النَّاسَ مُحَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عَشْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ با مردم به گونه ای بیامیزید، که اگر بمیرید، بر شما بگریند و اگر بمانید با شما دوستی کنند.

و در عهدنامه مالک اشتر که شیوه حکومت اسلامی و حکمرانی را بیان می‌کند در نامه ۵۳ می‌فرماید: وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمَ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. به قول مولانا

دنیای همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ ای هیچ برای هیچ بر هیچ میباید

دانی که پس از عمر چه ماند باقی مهر است و محبت است و باقی همه هیچ

ب- معرفی الگو جهت الگو پذیری: یکی از موثرترین راهکارهای تربیت روش الگوگیری از معصومین می‌باشد. همچنان که خداوند در سوره مبارکه احزاب آیه ۲۱ می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

و در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه اشاره به پیامبرانی (حضرت محمد، داوود، موسی، عیسی) می‌کند که شایسته الگوگیری هستند.

ج- یادآوری و تذکر: یکی از راه‌های هوشیار کردن انسانی که آمیخته با نسیان است همین یادآوری به جا می‌باشد چنانکه خداوند متعال در سوره مبارکه ذاریات آیه ۵۵ می‌فرماید: (وذكر فان الذكري تنفع المومنين) و یادآوری کن چرا که یادآوری برای مومنان نافع است.

و خداوند در سوره مبارکه غاشیه آیه ۲۱ پیامبر را مذكر (یادآوری کننده) معرفی کرده می‌فرماید: (فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ)

پس خلق را متذكر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست.

و مولا علی نیز در سراسر نهج البلاغه اشاره به تذکر و یادآوری دارد و از یادآوری‌های می‌توان به یاد مرگ اشاره کرد حضرت می‌فرماید: أَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَ كَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ، وَ طَمَعُكُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمَهِّلُكُمْ؟! فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايِنْتُمُوهُمْ

ترجمه: امام علی علیه السلام شما را سفارش می‌کنم که به یاد مرگ باشید و از آن کمتر غفلت ورزید. چگونه از چیزی غافلید که او از شما غافل نیست و چگونه به کسی چشم طمع دوخته‌اید که به شما مهلت نمی‌دهد! مردگانی که مشاهده کرده‌اید خود واعظانی هستند که شما را از هر واعظی بی‌نیاز می‌کنند.

د- اندرز و پند نیکو: خداوند در سوره نحل آیه ۱۲۵ به پیامبر دستور به موعظه احسن می‌کند و می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.

و در سوره مبارکه یونس آیه ۵۷ قرآن به عنوان موعظه‌ای ذکر شده که مایه شفای سینه‌هاست. و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ».

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان

خ- عبرت: خداوند در قرآن بعد از ذکر سرنوشت اقوام گذشته در پایان می‌فرماید فلسفه و هدف بیان داستان‌های پیشینیان همان عبرت گرفتن است و در سوره مبارکه حشر آیه ۲ می‌فرماید: (فاعتبروا یا اولو الابصار) پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید. مولا علی نیز در بخشی از حکمت ۲۰۸ راه بینا شدن را عبرت گرفتن معرفی کرده و می‌فرماید: (ومن اعتبر ابصر) ترجمه: کسی که عبرت پذیرفت بینا گردید، در واقع امام مقدمه بینا شدن را عبرت پذیرفتن می‌داند.

۴- اهداف تربیت با رویکرد فقه حکومتی

الف- عبادت خداوند: اولین هدف تربیت عبودیت خداوند است چنانکه در سوره مبارکه ذاریات آیه ۴۶ می‌فرماید: «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون».

ترجمه: ما جن و انسان را نیافریدیم مگر برای عبودیت و بندگی.

ب- ایمان و عمل صالح: انسان تربیت شده به سمت کارهای شایسته و خوب حرکت می‌کند و از کارهای بد بیزاری می‌جوید. چنانکه خداوند در سوره مبارکه عصر می‌فرماید: «وَالْعَصْرُ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۳» سوگند به عصر واقعا انسان دستخوش زیان است مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

ان الانسان لفی خسر ... در واقع انسان‌های که تربیت نشده دلم در خسارت قرار دارند چرا که از اعمال صالح که موافق با ذات انسانی هست بدورند.

ج- مخالفت با دشمن درون و بیرون: منظور از دشمن درون همان نفس اماره است که انسان را امر به بدی می‌کند چنانکه خداوند در سوره یوسف آیه ۵۳ می‌فرماید: «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ».

ترجمه: و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، چرا که نفس آدمی بدون شک همواره به بدی امر می‌کند، مگر آن که پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من آمرزنده‌ی مهربان است.

و در کلام مولا علی علیه السلام درباره نفس اماره می‌فرماید: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک» یعنی بالاترین دشمنان تو همان نفس اماره و احساسات سرکش تو است که از همه به تو نزدیکتر است و در میان دو پهلوی قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۵۱) و منظور از دشمن برون همان شیطان است که برای گمراهی انسان دامن همت به کمر بسته.

د- دوری از دنیا محوری و دنیا پرستی: خداوند در آیات مختلفی به هدف نبودن دنیا اشاره می‌کند از جمله در سوره غافر آیه ۳۹ می‌فرماید: *يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ* ترجمه: ای قوم من این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است.

و مولا علی نیز در نهج البلاغه تاکید بسیاری بر مقدمه بودن دنیا دارد و از جمله در حکمت می‌فرماید: *الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِعَٰلَمٍ آخَرَ، وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا*. دنیا برای دیگری آفریده شده، برای خود آفریده نشده.

۵- اهداف حاکمیتی تربیت

۱- اهداف اجتماعی که شامل؛ الف- استواری و قداست روابط خانوادگی بر پایه ی حقوق و اخلاق اسلامی. ب- تامین قسط و عدل
۲- اهداف سیاسی: الف- پذیرش مطلق حاکمیت خداوند و آشنایی با طرق و شیوه های اعمال این حاکمیت در جامعه بر اساس فقه حکومتی. ب- نفی هر گونه ستمگری ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری و تامین استقلال سیاسی.

۳- اهداف اقتصادی: الف- ایجاد روحیه ی احترام نسبت به مالکیت مشروع دیگران. ب- ایجاد روحیه ی صرفه جویی و قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در همه ی شئون اقتصادی (مطهری، ۱۳۸۲: ۶۵).

تعلیم و تربیت به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی بشر اندیشمندان این حوزه را به تعیین خط‌مشی تربیتی برای جوامع بشری وا داشته است: چرا که انسان به شرایط و موقعیت مناسبی نیاز دارد تا توانایی‌ها و استعدادای خود را شکوفا کرده و با کسب صلاحیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز به عضو مفید و کار آمدی برای جامعه بدل گشته و خود نیز به رضایت‌مندی از زندگی دست یابد.

۶- بازتاب‌های مهم نگرش فقه حکومتی در فقه

برگزیدن فقه حکومتی به عنوان نگرش اصلی به فقه رها کردن نگرش فقه فردی مضاف بر اینکه یک تحول اساسی در شیوه استنباط احکام و مسیر اجتهاد، تغییر حدود و ثغور مباحث اجتماعی در فقه و ایجاد یک دگرگونی در دسته‌بندی ابواب فقه به وجود خواهد آورد، دو پیامد مهم نیز دارد که عبارتند از؛

الف- مدار اجتماعی و حکومتی فقه در تمام ابواب فقه: در فقه حکومتی همه‌ی ابواب فقه از منظر حکومت و اجتماع بررسی می‌شود بنابراین در گزاره‌های فقهی حتی در آن بخش از عبادات که شکل فردی دارند مانند نماز، روزه و... زوایای فقهی آن کاویده می‌شود، در حالی که در فقه فردی چنین اجتهاد و کاوش فقهی صورت نمی‌پذیرد. حضرت امام خمینی درباره نماز و حج می‌فرمایند:

در این دو یعنی نماز و حج همچنین جهات اجتماعی و سیاسی و حکومتی وجود دارد که مربوط به زندگی دنیوی مردم می‌باشد.

ب- گسترش قلمرو فقه: آشکارترین بازتاب نگرش اجتماعی در فقه، گسترش یافتن قلمرو و ساحت فقه است؛ زیرا در کاوش‌های فقهی، وقتی جامعه به مانند یک پدیده موجود در خارج مورد نظر دین فرض شود، در این صورت رفتارهای جمعی و نهادهای اجتماعی ناظر به آنها در فقه جایگاه ویژه می‌یابند و فقیه عهده‌دار شناخت این گونه موضوعات خواهد شد و موظف به بازشناسی حکم فقهی آن از منابع دینی می‌گردد. بدین روی فقه حکومتی از جهت قلمرو بسی گسترده‌تر از فقه فردی است، چرا که این گونه نگاه، موضوع فقه و احکام فقهی را می‌گستراند، چه اینکه در فقه فردی رفتار فرد مکلف با هویت فردی و شخصی او موضوع حکم است؛ ولی در فقه حکومتی رفتارها و کنش‌های اجتماعی، سیاسی و حکومتی نیز موضوع حکم دانسته می‌شود (غلامی و میراحمدی، ۱۳۹۳: ۸۸).

۷- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر در خصوص کلام امیر المومنین (ع) در تعلیم و تربیت با رویکرد فقه در موارد زیر مشهود است:

با توجه به کاوش‌های صورت گرفته و تعاریف و تشریحاتی که در خصوص تعلیم و تربیت و فقه و بخصوص فقه حکومتی صورت گرفت می‌توان گفت:

نگاه امیرالمومنین به حکومت و دولت اسلامی، نگاهی ابزاری است، به شیوه‌ای که آن را وسیله‌ای برای نیل به هدف و آرمان اصلی، یعنی عبودیت و بندگی خدا معرفی می‌کند. براساس این دیدگاه، حکومت نمی‌تواند برای حاکم جامعه، وسیله‌ای برای دنیا طلبی و ریاست طلبی باشد بلکه حاکم جامعه اسلامی خدمتگذار مردم، و حکومت برای او به منزله امانتی در گردن اوست تا مسوولیت آن امانت که عبارت است از: ۱- خیرخواهی مردم ۲- تامین رفاه مردم ۳- جهل زدایی از جامعه ۴- تربیت افراد را بپردازد. چرا که حکومت به وسیله مردم به قوام می‌رسد و حاکمی که درصدد جهل زدایی و تربیت باشد به وسیله این دو مهم راه حکومت را برای خویش هموارتر و بادوام‌تر می‌سازد. از سوی دیگر نشان می‌دهد، که مهمترین هدف امام در راستای فقه حکومتی، گسترش عدالت و گرفتن حق ستم‌دیدگان است. بطور خلاصه فقه حکومتی از منظر امام علی یعنی فقهی که متولی اداره جامعه و تدبیر حکومت و نگرش کل‌نگر و مبتنی بر دیدگاه حداکثری از دین، و ناظر بر تمام ابواب فقه و همه‌ی شئون اجتماع می‌شود. که شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- اصل اساس تقویت یک حکومت اهمیت دادن آن به موضوع تعلیم و تربیت است.
- ۲- رابطه حکومت و مردم یک رابطه متقابل در امر تعلیم و تربیت و شیوه حکمرانی است.
- ۳- یکی از جلوه‌های تعلیم و تربیت متمسک شدن به فقه حکومتی است.
- ۴- اهمیت مجموعه حکومت در یاددهی به مردم خصوصا جاهلان و یادآوری نسبت به انسان‌های عالم

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اخوان نوری، شقایق السادات. (۱۴۰۱). مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای در تعلیم و تربیت و کارکردهای آن از منظر قرآن و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۴. اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۵). «تأثیرات فقه بر نظام تربیتی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، اسفند، نهم، سی و ششم.
۵. بحرانی، ابن میثم. (۱۳۷۵). شرح و ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۶. بغلانی، فریده. (۱۳۹۹). تبیین و تحلیل تفکر انتقادی در عرصه تعلیم و تربیت و نقد دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت براساس آموزه‌های تربیت اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان فارس، واحد فسا.
۷. جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۸). شرح و ترجمه نهج البلاغه، جلد بیست و سوم. چاپ سوم، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. حائری شیرازی، محی‌الدین. (۱۳۹۰). «رسالت روحانیت در تربیت خانواده»، فصلنامه قرآنی کوثر، دی، چهارم، شماره چهل.
۹. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد نوزدهم، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. ذوالفقاری، محمد، سیدیان، سید مهدی. (۱۳۹۱). «فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی»، چگونگی، نشریه معرفت سیاسی، چهارم، اول.
۱۱. سلیمانی‌کیا، علیرضا. (۱۳۹۷). «تربیت اسلامی و تربیت غیراسلامی با نگاه مقایسه‌ای»، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تهران.
۱۲. شادمانفرد، علیپور، محمد حسین، محمد حسین، (۱۴۰۳) ارائه چارچوب مفهومی حکمرانی اسلامی با ابتناء بر عهدنامه امیرالمومنین (ع) برای مالک بن حارث نخعی، نشریه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۲۱-۱۳۹ / 10.22034/API.2024.2039576.1048
۱۳. شهاب، محراب‌الدین. (۱۴۰۰). نقد مبانی تعلیم و تربیت مکتب لیبرالیسم با تأکید بر آیات و روایات فریقین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی‌گران.
۱۴. عبدالله‌زاده، عاطفه. (۱۴۰۲). «اهمیت تعلیم و تربیت اسلامی و نقش معلم در آن»، هفتمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در حوزه مشاوره، علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران.
۱۵. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۱). «ضرورت تبیین تعلیم و تربیت اسلامی»، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، دی، چهارم، سی و دوم.
۱۶. غلامی، نجفعلی، میراحمدی، منصور. (۱۳۹۳). «فقه فردی و فقه حکومتی بایسته‌ها و کاستی‌ها»، فصلنامه سیاست متعالیه، خرداد، دوم، چهارم.

۱۷. فوزی، یحیی، کریمی بیرانوند، مسعود. (۱۳۹۰). «نقش حکومت در تربیت؛ بررسی مقایسه‌ای دیدگاه افلاطون و امام خمینی (ره)»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، تیر، سوم، اول.
۱۸. فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۶۸). ترجمه و شرح نهج البلاغه، جلد دوم. چاپ اول. تهران: چاپ و انتشارات فقیه.
۱۹. قادری، محمد. (۱۳۹۸). «مفهوم و مصداق تعلیم و تربیت در اندیشه ابن سینا»، سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی، قزوین، دانشگاه پیامنور واحد قزوین.
۲۰. محمدی پویا، فرامرز. (۱۴۰۱). «ارائه الگوی تربیتی با رویکرد جهاد تبیین از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، اسفند، دهم، چهلیم.
۲۱. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۱۳ ق). بحار الانوار، بیروت: دارالاضواء.
۲۲. مردانی همدانی، فرزانه. (۱۴۰۰). «ظرفیت‌های فقه حکومتی در تشکیل توسعه نظام‌سازی تمدن»، همایش ملی انقلاب اسلامی و افق تمدن آینده، تهران.
۲۳. مسعودی، رضایی، مجتبی، امیر حسین، (۱۴۰۳) ارائه تصویر ارتكازی از امر به معروف و نهی از منکر و لوازم آن بر پایه مباحث اعتباریات، بن حارث نخعی، نشریه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵
شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۴۱-۱۵۱ 10.22034/API.2024.2029569.1026
۲۴. مشکاتی، حسن. (۱۳۹۸). تعلیم و تربیت اسلامی، چیست؟ چگونه؟، اصفهان: سلام سپاهان.
۲۵. مشکانی، عباسعلی، مشکانی، عبدالحسین. (۱۳۹۰). «درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه حکومت اسلامی، تیر، شانزدهم، شصت.
۲۶. مشکانی سبزواری، عباسعلی، مشکانی سبزواری، عبدالحسین. (۱۳۹۰). «مناسبات فقه و حکومت»، فصلنامه حکومت اسلامی. دی، شانزدهم، شماره سوم.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). آشنایی با علوم اسلامی، چاپ اول، تهران: صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ اول، تهران: صدرا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۹). پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، جلد دوم، چاپ اول، قم: دارالکتب اسلامیه.
۳۰. میکائیلو، غلامحسین، سلطان القرائی، خلیل. (۱۳۹۴). «اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، اسفند، چهارم، سی و پنجم.